

ایستگاه

جان ای. وِلا

مترجم: محمود دریا نورد



۱۳۹۸

سرشناسه: وللا، جان آ. Vella, John A.
 عنوان و نام پدیدآور: ارسطو؛ راهنمای سرگشتگان / جان ای. وللا؛ مترجم: محمود دریانورد.
 مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری: ۲۵۱ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۶-۷۸۱-۳
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 یادداشت: عنوان اصلی: Aristotle: A Guide for the Perplexed.
 یادداشت: کتابنامه: ص ۲۲۷.
 موضوع: ارسطو، ۳۸۴ - ۳۲۲ ق. م.
 موضوع: Aristotle
 شناسه افزوده: دریانورد، محمود، ۱۳۶۱ - ، مترجم
 شناسه افزوده: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
 شناسه افزوده: Elmi - Farhangi Publishing Co
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ الف۴/۸ و B۴۸۵
 رده بندی دیویی: ۱۸۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۵۴۳۸۳

ارسطو

نویسنده: جان ای. وللا
 مترجم: محمود دریانورد
 چاپ نخست: ۱۳۹۸
 شابک: ۹۷۸۰۰۴۳۶۷۸۱۳
 حروفچینی و آماده سازی: انتشارات علمی و فرهنگی
 لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیه
 حق چاپ محفوظ است.



انتشارات علمی و فرهنگی

اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حبیبی (جهان بودک) کوچه کمان، پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن اداره مرکزی: ۸۸۷۷۴۵۶۹ - ۷۰؛ فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲؛ تلفن مرکز پخش: ۸۸۸۸۰۱۵۲؛ فکس: ۸۸۸۸۰۱۵۱
 آدرس اینترنتی: www.elmifarhangi.ir info@elmifarhangi.ir

www.farhangishop.com:

وبسایت فروش آنلاین

فروشگاه مرکزی (پرندۀ آبی): خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، بین بلوار گلشهر و ناهید، ابتدای کوچه گلفام، پلاک ۷۲؛ تلفن: ۲۲۰۲۴۱۴۰ - ۳

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۶۶۹۶۳۸۱۵ - ۱۶ و ۶۶۴۰۰۷۸۶
 فروشگاه دو: میدان هفت تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛ تلفن:

۸۸۳۴۳۸۰۶ - ۷

فهرست مطالب

درآمد	هفت
فصل اول: علم (ایستمه)	۱
تقسیم علوم مطابق با اهداف و موضوعات	۱
برهان	۹
اصول موضوعه علم	۱۵
فصل دوم: موجود یا جوهر (اوسیا)	۲۵
موجود پیش از ارسطو	۲۹
مسئله موجود در [رساله] مقولات	۳۶
علم موجود: فلسفه اولی	۵۰
موجود در بخش زتا از کتاب مابعدالطبیعه (۷)	۶۹
فصل سوم: طبیعت (فوزیس)	۸۳
مبادی تغییر	۹۲
علل یا تبیین های چهارگانه	۱۰۱
دفاع از غایت شناسی	۱۰۸

۱۱۹ فصل چهارم: نفس (پسوخه)

۱۲۴ نفس به مثابه جوهر، صورت و فعلیت

۱۳۲ نفس پژوه به دنبال چیست؟

۱۳۶ ادراک

۱۴۴ اندیشه

۱۶۱ فصل پنجم: نیکبختی (ائودایمونیا)

۱۶۷ دانش عملی اخلاق

۱۷۷ حیر ارضی و غایی انسان

۱۸۸ فضایل منش

۲۱۱ فضایل عقل

۲۲۵ نتیجه گیری

۲۲۷ کتابنامه

درآمد

دانته آلیگیری^۱ در مآهک^۲ قرن چهاردهمی اش، کمدی الهی^۳، مشهورترین و ماندگارترین تصویر ادبی را از ارسطو خلق کرد. زمانی که ویرژیل شاعر، دانته زائر را راهنمایی می‌کند، این دو در نخستین حلقه دوزخ که اغلب با نام برزخ^۴ از آن یاد می‌شود، به صورت تصادفی با صحنه‌ای مواجه می‌شوند. زائر ما به توصیف دوزخ تعداد زیادی از چهره‌های جهان باستان می‌پردازد و ملاقاتش با فیلسوفان و دانشمندان باستان را این طور روایت می‌کند:

نگاهم را اندکی بالاتر گرفتم و او را دیدم

که استاد داناتان نامیده شده است،

نشسته در میان جمع فیلسوفان

چشم‌ها بر او خیره و مقامی عظیم داشت.

نزدیک‌ترین کسان به او افلاطون و سقراط بودند.

[۱] (*Inferno*, Canto IV. 130-5)

زائر ما همچنان به معرفی کسانی می‌پردازد که در جمع فیلسوفان به گرد استاد جمع شده‌اند. تنها کسی که او نام نمی‌برد همانی است که نیازی به معرفی ندارد. در جهان دانته همگان می‌دانند که منظور او چه کسی است. تنها یک نفر است که می‌تواند استاد دانیان و فیلسوفان خوانده شود و او ارسطو است.

در رابطه با این تصویر جالب توجه نکته‌هایی وجود دارد که مایلیم آن‌ها را یادآوری کنم. نخست، می‌توانیم به این نکته توجه کنیم که دانته زائر گاهش را بالا می‌برد و به ارسطو و جمع فیلسوفان خیره می‌شود. گرچه جفر زائر در دوزخ شامل سقوط‌های بی‌پایان است، اما چنین تریبی مورد ارسطو نقض می‌شود. حتی در دوزخ هم برای دیدن ارسطو باید به بالا نگاه کرد؛ او حتی در دوزخ هم مقامی رفیع دارد. می‌توانیم به این نکته هم توجه کنیم که ترتیب تاریخی فیلسوفان باستان در این تصویر معکوس شده است. سقراط معلم افلاطون بود و افلاطون معلم ارسطو است؛ در گذشته است. آخرین شاگرد در این ترتیب تاریخی بالاترین دستاورد را داشته است. در هنگام حیات، ارسطو شاگردی افلاطون را کرده است، اما در زندگی بعد از مرگ، افلاطون، سقراط و در واقع تمام انسان‌های فرهیخته چشم ارسطو دارند و در مقابل او سر تعظیم فرود می‌آورند. صحنه‌ای که دانته از کسی هدیه‌بانگر ستایشی فوق‌العاده از ارسطو است؛ ما تقریباً فراموش می‌کنیم که ارسطو و حلقه فیلسوفان در بیرونی‌ترین دایره دوزخ قرار دارند. اگرچه بخش اعظم دوزخ آکنده از چیزی است که جفرس^۱ آن را «انزجار شدید سیاسی»^۲ دانته می‌نامد؛ اما این صحنه به دلیل همدردی آن و احترامی که برای ارسطو و فیلسوفان باستان قائل می‌شود یک استثناست [۲].

هیچ جای شگفتی نیست که چرا دانته ارسطو را چنین محترم

می‌شمرد. در حکمت عملی، هیچ انسانی پیش یا پس از ارسطو به مقام او نرسیده است. از هنگام مرگ او در سال ۳۲۲ پیش از میلاد تا کشف دوباره آثار افلاطون در دوران رنسانس، ارسطو فرمانروای بی‌چون و چرای دانایان بوده است. گستره دانش ارسطو حیرت‌آور است؛ او در هر رشته از پژوهش‌های انسانی قلم زده است و تقریباً در هر موضوعی او را همچون مرجع نهایی در نظر گرفته‌اند. قرن‌ها تحقیقات علمی و فلسفی، یکسره بر بسط و تفسیر نوشته‌های ارسطو متمرکز بود. برای ما پی بردن به جایگاه و تأثیر فکری ارسطو دشوار است. ما در عصری زندگی می‌کنیم که همه چیز کاملاً تخصصی شده است، به طوری که جاه‌طلب‌ترین افراد هر ان هم فقط می‌توانند امیدوار باشند که در یک رشته خاص استاد شوند. دقت و نوابع عصر ما این گرایش به تخصصی‌سازی را اثبات می‌کند. تسلط بیش‌ترین بر علم فیزیک و فهم فروید از روان‌انسان را در نظر بگیرد. به عبارت با فردی روبه‌رو می‌شویم که به بیش از یک رشته علمی کمک‌های قابل توجهی کرده باشد؛ از آن نادرتر فردی است که به تمام رشته‌های علمی آری رسانده باشد. ارسطو چنین فردی است. بی‌هیچ تردید، ارسطو در روزگار طفولیت دانش و پژوهش انسانی بر آن‌ها مسلط بود. با این حال، در سال‌های او برای تقریباً دوهزار سال جهان شناخته‌شده را تفسیر می‌کنیم.

جایگاه و تأثیر امروزی ارسطو به سبب استدلالی او بر حقایق و نظریه‌ها نیست. بخش اعظمی از آنچه وی حقیقت را پنداشت بی‌اعتبار شده است؛ امروز بسیاری از نظریه‌های وی کاملاً اشتباه را به درآمده‌اند. البته ارسطو به خاطر قدرت خارق‌العاده روش خود یکی از غول‌های فلسفه و علم است. ارسطو در کاوش‌های علمی‌اش کاملاً سرسخت بود؛ میل مهارناپذیر به دانستن زندگی او را تسخیر کرده بود. او در کاوش‌های علمی خود روشی قدرتمند و پربثمر را پرورد که جزئی از بافت هر اندیشه علمی و فلسفی آینده شد. ارسطو ابزارهای مفهومی

غنی‌ای برای ما به ارث گذاشت که می‌توانیم از خلال آن‌ها تحقیقات او را ادامه دهیم. بدین ترتیب، در موقع خواندن [آثار] ارسطو نباید فقط به آموزه‌هایی پردازیم که ظاهراً او تأیید می‌کرده است، بلکه باید به سؤالاتی که می‌پرسید و روش‌هایی که به وسیله آن‌ها می‌کوشید تا به آن سؤالات پاسخ دهد نیز توجه کنیم. حتی اگر بی‌اعتباری بخش اعظمی از نظریه‌های ارسطو ثابت شده باشد، روش وی هنوز هم معتبر است.

در اینجا مایلم بر نکته‌ای کلیدی درباره روش علمی و فلسفی ارسطو انگیزه تأکید بگذارم. راهنمای ارسطو در این پژوهش‌ها، تجربه‌گرایی مبنی بر هم‌مشترک^۱ است. به باور او، هدف از تبیین علمی «حفظ پدیدارها»^۲ است. پدیدارها نمودهای ظاهری^۳ هستند که آن‌ها را تجربه می‌کنیم؛ اما ما به صورت پدیدارها بر حواس ما ظاهر می‌شوند. شاید تلاش برای حاکم پدیدارها چندان مناقشه‌انگیز به نظر نرسد، اما روش ارسطو در قیاس با سنت عقل‌گرایی فلسفه یونان کاملاً رادیکال است. در حالی که فیلسوفان دیگر به خصوصاً سقراط، افلاطون و پارمنیدس^۴، پدیدارها یا نمودهای ظاهری را به مثابه امور غیرواقعی^۵ یا کاذب^۶ توجیه می‌کردند، ارسطو می‌کوشید تا این امور ظاهری را حفظ کند و توضیح دهد که چگونه و چرا نمودهای ظاهری این گونه‌اند. بدین سان، فلسفه ارسطو با این شهود هدایت می‌شود که تجربه ما از جهان تا حد زیادی صادق^۷ است؛ بنابراین پژوهش ما درباره جهان باید با پژوهش در پدیدارها یا نمودهای ظاهری آغاز شود. شهود ارسطویی دقیقاً در مقابل شهود عقل‌گرایانی است که برای جهان محسوسات انجری قائل نیستند و اعتقاد دارند که عقل است که از ماهیت واقعی و حقیقی اشیا

1. common-sense empiricism

۲. save the phenomena: وفادار ماندن به پدیدارها و آنچه بر ما می‌نمایند. م.

3. the appearances

4. Parmenides

5. unreal

6. false

7. true

پرده برمی دارد. سقراط، افلاطون و پارمنیدس همگی نمودهای ظاهری را بی اعتبار می دانستند و اصرار داشتند که ما برای شناخت جهان تنها به عقل اعتماد می کنیم. اگر عقل رأیی خلاف نمودهای ظاهری داشته باشد، باید حکم عقلی را معتبر شمرد. افلاطون و پارمنیدس استدلال می کردند که جهان واقعاً متفاوت از چیزی است که به نظر ما می رسد. با این همه، ارسطو ادعا می کرد که جهان عمدتاً همان است که بر ما نمود می یابد. فلسفه و علمی که از این دو شهود رقیب حاصل می آید کاملاً با یکدیگر فرق دارند. سنت عقل گرایی به جای قلمرو محسوس بر قلمرو معقول تمرکز می کند. اساساً نزد عقل گرایان، فلسفه و علم صورت ریاضیاتی دارند. این عقل گرایان اولیه حتی در امکان [وجود] علم طبیعی تردید می ورزیدند. ارسطو عموماً به این تبیین های عقل گرایانه وقعی نمی نهاد مگر آنکه توانسته باشند پدیدارها را حفظ کنند. در حالی که عقل گرایان در علم طبیعی تردید می ورزیدند، این علم بخش اصلی فعالیت علمی و فلسفی ارسطو را تشکیل می داد. معنی چنین حرفی البته این نیست که ارسطو سنت عقل گرایی را یکسره مردود می داند. بر عکس، وی به آن نزدیک می شود. در جای مناسب از آن بهره می گیرد. اما به اعتقاد او، عقل باید بر توضیح نمودهای ظاهری مبتنی شود، نه اینکه آن ها را به منزله امور غیر واقعی و کاذب تجربه کند. شهود عقل گرایی و تجربه گرایی جهت گیری های اساساً متفاوتی در جهان دارند. این جهت گیری ها بنیانی را برای هر یک از چشم اندازهای فیلسوفان به جهان شکل می دهند. به باور عقل گرایان، ما با عقل شروع می کنیم و تا جایی که عقل ما را راهبری کند از او پیروی می کنیم، اما تجربه گرایان معتقدند که ما با پدیدارها آغاز می کنیم و عقل را برای توضیح و حفظ این پدیدارها به کار می بندیم.